

سپهرغرب، گروه شهر - عباس سریشی: هر چند عمده کارشناسان و صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که در حال حاضر اکثر شهرهای کشور ما با معضلی به نام فرسودگی بافت روبرو هستند؛ بااین‌حال نباید فراموش کرد که این موضوع صرفاً مختص به ایران نیست و چرخه تغییرات کالبدی، اجتماعی و زیست‌محیطی شهرها باعث شده تا این پدیده به معضلی فراگیر و مخاطره‌آمیز برای تمام شهرهای جهان تبدیل شود.

البته وقتی صحبت از مخاطره به میان می‌آید منظور صرفاً آسیب‌های اجتماعی و بروز ناهنجاری‌ها رفتاری نیست بلکه مراد این است که در این بافت‌ها کلیت کیفیت کالبدی و کار کردی زندگی یا کاهش یافته و یا بعضاً مختل شده است و درعین‌حال این بافت‌ها به دلیل نداشتن مشکلات متعدد اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، عملکردی، ترافیکی و زیست‌محیطی برای کل گستره شهر نیز یک تهدید جدی به شمار می‌آیند.

همچنین مهم‌ترین ویژگی و در اصل وجه تمایز این بافت‌ها نیز با دیگر قسمت‌های یک شهر در نبود امکان نوسازی خود به خودی به دلیل فقر ساکنین و همچنین نبود انگیزه برای سرمایه‌گذاران به دلیل عدم تضمین برگشت سرمایه است که باعث می‌شود کمتر کسی به سرمایه‌گذاری و یا حضور در آن روی خوش‌انشا دهد.

و اما از دیگر نکات حائز اهمیت در این بافت‌ها موضوع کم برخورداری و متعاقباً محدودیت دسترسی به خدمات شهری است درحالی‌که نسبت به سایر قسمت‌های شهر اینجمله بیشترین در آن زندگی می‌کنند که دسترسی آسان، ارزان و قابل‌قبول به خدمات بهداشتی، درمانی و خدمات آموزشی برای آن‌ها امکان‌پذیر نیست. در حقیقت دسترسی ساکنان این مناطق به خدمات شهری یا به‌شدت با محدودیت مواجه بوده و یا بعضاً حتی نامکن است.

حالا اما بافت‌های فرسوده دیگر به یک معضل ریشه‌دار و مزمن برای مدیریت شهرها در کشور ما مبدل شده که طی سال‌های اخیر بارها و بارها طرح‌هایی برای نوسازی و رفع معضلات آن‌ها توسط مدیران شهری ارائه و حتی برای مالکان این بافت‌ها نیز بسته‌های تشویقی تعریف‌شده، اما به دلیل نبود هماهنگی و تعامل میان شهرداری و دولت هر بار مالکان عطا‌ی نوسازی را به لقای آن بخشیده و ترجیح داده‌اند در همان خانه قدیمی زندگی کنند و همین امر باعث شده برخی منتقدان شفاف و بی‌تعارف اعلام کنند که به‌رغم اطلاع از تبعات بعدی اما در این حوزه هنوز عقب‌ماندگی زیادی داریم که روزبه‌روز نیز بر نگرانی‌ها و دغدغه‌های آن افزوده می‌شود.

واقع امر اینجاست که مسئله (رسیدگی، ترمیم و بازسازی بافت‌های فرسوده) سال‌ها است که در سایه و غفلت و بی‌توجه از سوی دولت و مدیریت شهری و حتی مردم قرار داشته درحالی‌که هریک نیز دیگری را مسئول نوسازی معرفی می‌کنند و نتیجه این می‌شود که امروزه شرایط برنامه‌ریزی برای احیای ۱۴۰ هزار هکتار بافت فرسوده در کل کشور که معادل دو برابر مساحت شهر تهران است با مصائب جدی مواجه شده و مهم‌ترین برنامه دولت با عنوان بازآفرینی شهری "امید" برای اجرا، چالش‌های بزرگی را فرآوری خود

می‌بیند. البته دراین‌بین بخش خصوصی هم به دلیل عدم توجیه سرمایه‌گذاری، هنوز رغبت چندانی برای ورود به این موضوع نشان ننداده و مضاف بر آن بانک‌ها نیز همکاری لازم را انجام نمی‌دهند. زیرا دستورالعمل‌هایی که بانیاست‌های کل نظام بانکی و چشم‌اندازهای حاکمیت در نوسازی بافت فرسوده تناقض داشته لاجرم باعث بروز روندهای طولانی و بعضاً کند اداری به‌خصوص در سطح شعب می‌شود.

کارشناسان بر این باورند که امروزه فرسودگی و تبعات ناشی از بی‌توجهی به آن به یکی از مهم‌ترین مسائل مربوط به فضاهای شهری مبدل شده که باعث بی‌سازمانی، عدم تعادل و تناسب و بی‌قواری آن می‌شود. فرایندی که طی آن کالبد و فعالیت و درمجموع فضایی شهری را در کوتاه‌مدت دچار نوعی دگرگونی، بی‌سازمانی و افول حیات شهری می‌کند و حالا قرار است تا ما این بافت‌ها را که عموماً ملو از مشکلات فراوان اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، بهداشتی و... هستند، ساماندهی کنیم. البته ساماندهی ظاهراً سال‌ها است که قانون شده و حتی در برخی جاها نیز کلید خورده اما روندش آن گونه که انتظار می‌رود جلو نرفته چرا؟ چون بخش عمده این موضوع به باورهایی بازمی‌گردد که به هر علت هنوز برای بسیاری اعم از مسئولان یا مردم پذیرفتنی و یا دست‌یافتنی نمی‌نماید.

❖ **وضعیت بافت فرسوده در ایران.....**

اما بر اساس اخبار و اطلاعات موجود تقریباً ۱۸ درصد مساحت عرصه‌های شهری در کشور ما را بافت‌های فرسوده تشکیل می‌دهند که شامل ۵۶ هزار هکتار بافت ناکارآمد شهری، ۲۲هزار هکتار بافت تاریخی و ۴۸ هزار هکتار سکونتگاه غیررسمی بوده و برحسب اتفاق جمعیتی بالغ‌بر ۱۹ میلیون نفر یعنی ۳۰درصد از کل جمعیت کشور را نیز در خود جای‌دهاند.

صاحب‌نظران معتقدند که ماسوای آن بخش از شهر که جزء بافت مرکزی و یا تاریخی محسوب می‌شود اما گسترش فضایی بی‌رویه و بدون برنامه شهرهای بزرگ و متوسط کشور در چند دهه گذشته، باعث شکل‌گیری بافت‌های جدید به نام حاشیه‌نشینی در مجاورت شهرها و متعاقباً حضور جمع کثیری از مردم طبقه متوسط و ضعیف در آن‌ها گردیده که در نتیجه این امر به‌تدریج کارکرد و حیات اجتماعی - اقتصادی شهر دستخوش تغییر منفی و متعاقباً موجب حرکت به سمت رکود و فرسودگی شده است.

شود اینکه با درک مشکل و تبعات آن و نیز برحسب قانون نوسازی این بافت‌ها در دستور کار وزارت مسکن و شهرسازی و شهرداری‌ها قرار گرفت اما تجربیات دو دهه اخیر در این زمینه که عموماً نیز بر یکی دو بلوک خاص و یا محور شهری متمرکز بوده نشان می‌دهد که این ساختار هنوز به راهکار جدی و تجربه‌شده‌ای برای تحقق‌پذیر کردن اهداف

سپهرغرب، گروه شهر: با نگاهی به پیشینه جامعه‌شناختی کشورمان در طول تاریخ ایران ما سه نوع گفتمان داشته‌ایم که دوره دو گفتمان سب‌ریشی شده و گفتمان سوم در حال تجربه کردن هستیم.

گفتمان اول شیوه ارباب‌ورعیتی است که در این گفتمان ارتباطات از بالا به پایین تعریف‌شده و یک نفر فرمان می‌دهد و دیگران باید اطاعت کنند. موجودیت حاکمیت ناشی از این گفتمان بر اساس اعمال زور و قدرت است.

گفتمان دوم دولت و مردم است که در این سیستم مردم حق رأی دارند ولی قدرت همچنان متمرکز است در این نوع حاکمیت، تفکر سیاسی آزاد کمتر زمینه‌بروز و ظهور پیدا می‌کند و دموکراسی به معنای واقعی آن وجود ندارد. گفتمان سوم گفتمان شهروندی است که بدون شک از ضروریات اساسی جامعه مدرن امر است. متأسفانه این‌ها واژه رایج و مدون نه در قانون اساسی ما و نه در فرهنگ‌نامه‌های معتبر ما و نه در قوانین قبل از انقلاب و اکثر قوانین بعد از انقلاب ما نامی از آن برده نشده است.

زمان زیادی نیست که با واژه شهروندی آشنا شدیم. این کلمه را بارها در نشریات، کتب و مقالات خوانده‌ایم و با به‌دفاع از زبان سیاستمداران، اندیشمندان، صاحب‌نظران، کارشناسان و حتی مردم عادی شنیده‌ایم. به‌راستی شهروندی چیست و شهروند چه کسی است؟

برای ورود به بحث شهروندی ابتدا به دو تعریف از شهر می‌پردازیم:

❖ **تعریف شهر**

یک پدیده طبیعی(مجموعه‌های مواد،ساختمان‌ها،خیابان‌ها و...) و انسانی(شامل ظرفیت تفکر افراد، فرهنگ و الگوی زندگی و...) است.

❖ **تعریف شهر از دیدگاه امام علی (ع)**

حضرت علی (ع) می‌فرماید: شهری از شهر دیگر به تو سزاوارتر و شایسته‌تر نیست. بهترین شهرها شهری است که تو را به دوش گیرد.(هل آن تو را بخوانند و در زندگی در رفاه و آسایش باشی) تعمق و تأمل در فرمایش پی‌شوالی آن نشیمنان حکایت از نکته مهم و قابل‌توجهی در زندگی شهری دارد.

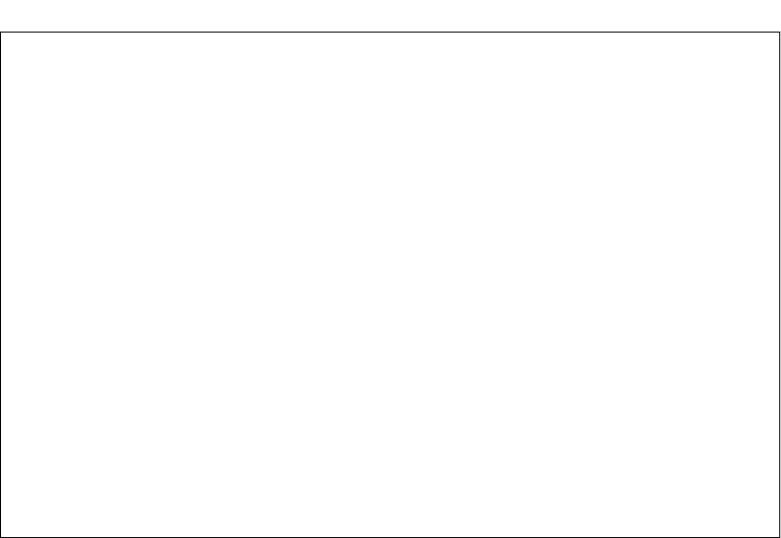
در این بیان امام علی(ع) عملاً مسئولین شهری را موظف به تأمین آسایش، امنیت و رفاه مردم می‌کند.

به‌عبارت‌دیگر حضرت تأکیددارند که اهمیت، امتیاز و برتری شهرها بر یکدیگر، توانایی‌شان در برآوردن کردن حوائج و نیازهای فرد به امنیت و آسایش می‌باشد. می‌توان چنین استنباط کرد که اگر نیازهای فرد در شهر برطرف نشود آن شهر دیگر خاصیت توجیه و اهمیتی برای زندگی کردن ندارد. تفاوت و برتری شهرها بر یکدیگر در موفقیشان در برطرف کردن نیازهای ساکنان آن شهر است.

❖ **تعریف شهروند و شهروندی**

به دلیل فقدان یک نگاه جامع، موثر و کاربردی بسیاری از بافت‌های قدیمی و مناطق حاشیه نشین همدان در زمره نقاط خطرخیز و در معرض تهدید قرار دارند.

بافت فرسوده در دو سویه بیم و امید



این امر دست نیافته و این در حالی است که با توجه به پهنه وسیع و بسیار زیاد این‌گونه بافت‌ها و نیز تبعات متصوره در خصوص ناپایداری آن‌ها در قبال بروز هرگونه رخداد غیرمترقبه لازم است تا در اسرع وقت نسبت به اتخاذ راهکارهای کوتاه‌مدت و زودبازده برای برون‌رفت از این تنگنا اقدام کرد.

البته دراین‌بین استان همدان نیز از این قاعده مستثنا نبوده و به دلیل وجود خصیصه‌های چون قدمت تاریخی و مهاجرپذیری دارای گستره وسیعی از بافت‌های فرسوده در متن و حاشیه شهرهای خود است که بر اساس آخرین آمارهای ارائه‌شده در میحت بازآفرینی هم‌کنون مساحتی بالغ‌بر ۲۲هزار و ۴۰۰ هکتار را شامل می‌شود که در قالب محلات، کوی‌ها و شهرک‌ها و سکونت‌گاه‌های غیررسمی جمعیتی بیش از دویست هزار نفر را در خود جای‌دهاند.

به اذعان کارشناسان وسعت کلی بافت‌های فرسوده در شهر همدان درصد بالایی از شهر را شامل می‌شود. که به‌تصور برخی این رقم نشانگر وخامت وضعیت موجود است و با توجه به نبود برنامه‌های توسعه و نوسازی مدون و بنیادین، شهر را در حال حاضر دچار فرسودگی در عرصه کالبدی و عملکردی نموده گو اینکه ادامه این روند نیز در آینده نه‌چندان دور لاجرم شهر را متحمل هزینه‌های بسیار سنگین و معضلات و مشکلات عمیق‌تری نیز خواهد نمود فلذا لزوم توجه و اقدام سریع در خصوص ساماندهی و تعیین تکلیف بافت‌های فرسوده شهر همدان امری بسیار ضروری و غیرقابل‌انفراض است.

البته نباید فراموش کرد که طرح بازآفرینی شهری و بازسازی بافت‌های ناکارآمد دارای سویه‌های متعددی است که تنها یک بعد آن مربوط به نوسازی و بهسازی مسکن می‌شود گو اینکه اصلی‌ترین و مهم‌ترین موضوع در این روند نیز بحث، جریان و شکست‌سازی برای مشارکت خود-مردم و مالکین بافت‌های فرسوده برای مشارکت و همکاری در دسترسی در بافت‌های فرسوده و ایجاد مسئله

در امر امداد و نجات عدم وجود تأسیسات پایه شهری ازجمله شبکه‌های آتفا‌ی حریق و امداد و نجات فقدان و نقص در تأسیسات زیربنایی و پایه فشرده‌گی بافت و کوچک بودن مساحت پلاک‌ها

بالابودن تراکم شهری و ساختمانی در یک محدوده کوچک استقرار عمده افراد با درآمد پایین و یا ناهنجار و در محدوده این بافت‌ها

و کمبود سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی و تمایل به انجام آن در محدوده این بافت‌هاست که همین مشخصه باعث می‌گردد تا میزان مقاومت و تاب‌آوری آن‌ها در قبال بروز هرگونه رخداد و یا حادثه غیرمترقبه به پایین‌ترین سطح کاهش‌یافته و درعین‌حال در مواقع بروز بحران نیز روند کمک‌رسانی و میحت امداد و نجات را با کندی و مشکلات فراوانی همراه سازد. موضوعی که شاید برآیندهایی هرچند کوچک از تبعات خود را در پی لرزش‌های سسال گذشته و سیلاب امسال در قالب ریزش خانه‌ها و دیوارها به ما نشان داد.

در این خصوص صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که مراحل شناخت و بررسی میزان آسیب‌پذیری بافت‌های فرسوده شهری باید بر اساس مؤلفه‌هایی چون ارزیابی و ترسیم نقشه مخاطرات،شناسایی اجزای در معرض خطر،تعیین اشترات احتمالی خطر،تعیین توانایی‌های مطلوب درزمینه پاسخ به بحران و تعیین اولویتهای برنامه کاهش خطر تعریف گردد که با این توصیف کلان از چارچوب‌های حاکم بر مدیریت بحران و مفاهیم بافت‌های فرسوده شهری متأسفانه باید اعتراف کرد که به دلیل فقدان یک نگاه جامع، موثر و کاربردی در حال حاضر بسیاری از مناطق بافت قدیمی و حاشیه‌ای همدان در زمره نقاط خطرناک و در معرض تهدید قرار دارند که تاکنون نیز برنامه‌ریزی دقیق و حساب‌شده و یا سناریوی جامع و مشخصی را برای نحوه و کیفیت تأمین ایمنی و نیز روند امدادرسانی و نجات برحسب جمعیت و گستره محیط حادثه‌دیده تعریف و یا پیش‌بینی‌نشده است.

البته صرفی هم نمی‌کند اینن بحث پیرامون بافت مرکزی شهر، جولان، کلیا و اکیاتان باشد یا حاشیه‌نشین و پیش‌انیدیشی مانند ولیعصر، خسرو، طریت‌شهر و... زرسا هر کدام از بافت‌های فرسوده شهری همدان به‌واسطه شرایط ویژه و خاص خود دارای آسیب‌پذیری‌های بسیار متنوع و بلایی هستند که پتانسیل و ارزیابی خطر حاکم در این بافت‌ها نشان‌دهنده ضرورت توجه و اهتمام به آن‌ها است.

❖ **پیشگیری مقدم بر درمان....**

اگرچه در قوانین و مقررات بالادستی کشور و باهدف استفاده از تمامی پتانسیل‌های موجود برای مقابله با حوادث احتمالی و پیش‌انیدیشی برنامه‌ها و اقدامات لازم در این زمینه به موضوع مدیریت بحران در بافت‌های فرسوده توجه جدی شده که احصاء

مجموعه‌ای از اقدامات و فعالیت هایش در جامعه، خود را به عنوان عضوی از جامعه مدنی آن کشور معرفی می‌نماید و به همین دلیل واژه شهروند تنها شامل ساکنین شهر نبوده و حتی روستاییان و عشایر جامعه نیز می‌توانند ضمن انجام یک سری از فعالیت‌ها، اقدامات، تفکرات و اندیشه‌ها خود را به عضویت جامعه مدنی درآوردند و شهروند جامعه محسوب شوند.

به‌طور کلی از کلمات و اصطلاحات مشابه تعاریف و استنباط‌های مختلفی را می‌توان داشت، ولی آنچه که در واقع تاکنون از واژه شهروند به‌ویژه در ادبیات اجتماعی استنباط گردیده این است که شهروند به کسی گویند که دارای یک سری حقوق بوده و از حقوق خود به‌خوبی آگاه می‌باشد و مسئولیت‌های اجتماعی خود را نیز می‌شناسد و در نهادهای اجتماعی نیز حضوری موثر دارد چراکه در غیر این صورت فرد، شهروند به شمار نمی‌آید فقط به عنوان یک هموطن یا شه‌شه‌ری با کسی که با دیگران در یک محل یا منطقه خاصی زندگی می‌کند محسوب می‌گردد.

افراد یک جامعه زمانی شهروند به‌حساب می‌آیند که از مدنیت برخوردار باشند. البته در بسیاری از موارد علت اصلی عدم تحقق مدنیت در جامعه آن است که زمینه‌های لازم برای مدنیت افراد، یا به عبارت‌سی غشوب آن‌ها در نهادهای مدنی در جامعه فراهم نگردیده است و افراد در جامعه حضور دارند بدون اینکه از حقوق اجتماعی، مدنی و سیاسی خودآگاهی داشته و از آن‌ها برخوردار باشند و یا بدون آن‌که در عرصه‌های اجتماعی حضورداشته و یا نقشی را برای خود در حوزه عمومی جامعه قائل باشند. چنین افرادی شهروند نقلی نمی‌شوند و فقط می‌توان آنها را شهرنشین نامید. افرادی که تنها در یک منطقه، محل یا شهر زندگی می‌کنند و به عبارتی تنها در جامعه حضور فیزیکی دارند نه حضور اجتماعی، درحالی‌که یک شهروند علاوه بر حضور فیزیکی در جامعه حضور اجتماعی نیز دارد. به این ترتیب در بحث شهرنشینی می‌توان گفت که ما یک شهرنشینی فیزیکی داریم و یک شهرنشینی اجتماعی. به دنبال شکل‌گیری شهرنشینی اجتماعی مفهوم شهروند متولد می‌شود.

بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ در ایران ۱۳۳۱ شهر وجود دارد درحالی‌که جمعیت شهرنشین ما مطابق سرشماری فوق بیش ۲۱ درصد از کل جمعیت کشور می‌باشد ولی اغلب شهرهای ما از لحاظ ویژگی، کالبد و کارکرد ماهیت روستایی دارند و عده زیادی از ساکنان آن‌ها با آداب‌ورسوم، ویژگی‌ها و هنجارهای زندگی شهری آشنایی لازم را ندارند.

نکته مهم دیگر اینکه بسیاری از ساکنین مناطق شهری کشور احساسات تعلق چندانی به شهر یا منطقه محل زندگی خود ندارند لذا بدیهی است که چنین افرادی از تأسیسات و اموال شهر خود به‌خوبی مواظبت نمی‌کنند و حتی در مواردی آن‌ها را تخریب می‌کنند، چراکه این تأسیسات، اموال

نگاهی به شهرنشینی و شهروندی

بختن بسیاری از انگیزه‌ها و آموزه‌های اسلامی این مفهوم نیز تقریباً به فراموشی سپرده شد. به‌طور کلی می‌توان گفت که مفهوم جدید شهروندی از دوران قرون جدید و مخصوصاً از عصر روشنگری به بعد مطرح می‌شود، یعنی از اواخر قرن ۱۷ و به‌خصوص در قرن ۱۸ میلادی شاهد شکل‌گیری مفهوم جدید شهروندی در اروپا هستیم. این مفهوم به دنبال شکل‌گیری خود در اروپا به‌سرعت و در حدود یک قرن در کل دنیا تـسری پیدا کرد. مفهوم جدید شهروندی را می‌توان در آموزه‌های یک فیلسوف انگلیسی به نام جان لاک مشاهده نمود.

شهروندی در مفهوم جدید خود با مفهوم جدید حقوق بشر ارتباط بسیار نزدیکی داشته و کاملاً درهم‌تنیده‌اند. در نظریه حقوق بشر به مفهوم جدید انسان به دلیل انسان بودن خود از یک سری حقوق برخوردار می‌باشد. انسان آزاد است نه به خاطر اینکه جزء فلان دین، جامعه و یا گروه اشرافی است، بلکه انسان آزاد است چراکه آزاد آفریده‌شده است.

❖ **شهروندی اجتماعی**

بسیاری از مردم احساس می‌کنند به‌محض آنکه در شهر یا منطقه‌ای اقامت گزینند شهروند آن دیار محسوب می‌شوند. شهروندی درواقع احساس است که نه‌تنها از درون مایه می‌گیرد بلکه در بیرون نیز ریشه دارد. احساس درونی شهروندی همان احساس تعلق اجتماعی است که فرد خود را متعلق به منطقه‌ای می‌داند و حاضر است در حفظ و حراست آن بکوشد و به‌سختی تمایل به ترک منطقه دارد. وضعیت بیرونی شهروندی، پذیرش فرد به‌عنوان عضوی از جامعه از سوی مردم، موسسات مدنی، مدیران جامعه و نهادهای حقوقی و اجتماعی است. به‌عبارت‌دیگر شهروندی به معنای اجتماعی آن زمانی تحقق می‌یابد که احساس درونی فرد یعنی حس اجتماعی و وضعیت بیرونی آن یعنی پذیرش اجتماعی باهم ترکیب شوند. در چنین شرایطی شهروندی اجتماعی شکل می‌گیرد.

شهروند اجتماعی کسی را گویند که قواعد و هنجارهای جامعه خود را به‌خوبی شناخته و رفتارهای اجتماعی خود را با آن‌ها منطبق می‌نماید. شهروند اجتماعی کسی است که آموزش‌های اجتماعی لازم را دیده باشد، جامعه خود را به‌خوبی بشناسد و با مسائلی چون خدمات اجتماعی، برخورد اجتماعی، نحوه مشارکت در توسعه و غیره به‌خوبی آشنایی داشته باشد.

❖ **حقوق شهروندی**

بر اساس دیدگاه حقوقی، شهروند یعنی فردی از احاد ملت که اولاً از کلیه حقوق اجتماعی، سیاسی و فرهنگی برخوردار بوده، ثانیاً کلیه اداره امور کشور بر اساس اراده او صورت می‌گیرد. اگر بخواهیم از

آن‌ها ترسیم‌کننده چشم‌انداز و نگاه استراتژیک به این موضوع در بافت‌های فرسوده شهری است، بااین‌حال شکی نیست که به دلیل شرایط ناپایدار احتمال بروز خسارات جانی و مالی در این بافت‌ها و به نسبت دیگر نقاط شهر در پی بروز هرگونه حادثه غیرمترقبه به‌مراتب بالاتر خواهد بود که لاجرم کارایی و پویایی سیستم مدیریت بحران و ارائه خدمات ایمنی و امداد را طلب می‌نماید.

کارشناسان بر اینن عقیده‌اند که جدا از بحث پیشگیری و اقدام در خصوص ایمن‌سازی‌های بنیادین و پیش‌درآمدی اما به‌طور خاص و در برنامه‌ریزی و تعریف استراتژی کلان برای مدیریت بحران در بافت‌های فرسوده شهری باید به دو موضوع مدیریت بحران یعنی سازمان‌دهی (در جهت، برنامه‌ریزی، استفاده بهینه از منابع، مهارت‌های تخصصی کسب آمادگی) و همچنین اجزاء سیستم مدیریت بحران شامل (آمادگی، پیشگیری، اثرات و بازتوانی بازسازی) توجه شود که کاربست این دو به‌صورت هم‌زمان می‌تواند مبنای تعریف راهکارهای میان‌مدت درزمینه مدیریت بحران در بافت‌های فرسوده باشد.

البته شکی نیست که حصول این خواسته نیز زمانی محقق خواهد شد که به‌دوراز هرگونه گرفتار آمدن در نظام بوروکراتیک اداری و حرکات نمایشی غیرکاربردی از هم‌اکنون و به‌سه معنای واقعی به دنبال ایجاد بستر و فرصتی برای به فعلیت رساندن آن‌ها باشیم که در زمان حادثه حقیقی سازمان‌ها و نهادهای متولی بتوانند تا در بالاترین سطح هماهنگی با یکدیگر و کمترین مشکل و اصطکاک به یاری و نجات و امداد حادثه دیدگان بپردازند.

بی‌شک هدف از این موضوع ارائه یک دستور کار مشخص و طرح کلی از نیازهای عمده و اساسی در راستای مقابله با بحران هست که سیستم مدیریت بحران باید خود را به آن‌ها تجهیز نماید تا بتوان سامانه‌ای کارآمد برای مقابله با حوادث احتمالی در بافت‌های فرسوده و با مقاوم شهری ایجاد نماید. درعین‌حال نباید از اینن حقیقت نیز غافل بود که اولین قدم برای کاهش هزینه‌ها و خسارات احتمالی توجه حادثگتری به بحث پیشگیری در قالب جلویگیری از گسترش و یا ادامه روند استفاده از بافت‌های فرسوده و مشکل‌دار و تأکید بر مقاوم و اصولی سازی بناهاست که نیل به این مقصود نیز مستلزم فراهم نمودن ابزارهای حقوقی مناسب (اصلاح و تکمیل قوانینن و مقررات) و راه‌های پیشی در بافت فرسوده فرهنگ‌سازی و آگاهی‌بخشی بخشی، حیات‌بخشی، ظرفیت‌سازی، تأمین و ارائه تسهیلات دولتی و اعتبارات مالی خصوصی به مردم در برابر مخاطرات موجود در بافت‌های فرسوده از طریق تعریف مفاهیم ایمن‌سازی، تعادل بخشی، حیات‌بخشی، ظرفیت‌سازی، تأمین و ارائه تسهیلات دولتی و اعتبارات مالی خصوصی به مردم در برابر مخاطرات موجود در بافت‌های فرسوده از غیبت شهروندان در طول محاذله در بافت‌های فرسوده یا ایجاد احساس تعلق و خاطره در شهروندان پاسخگو بودن به شهروندان ساکنان در فرآیند تهیه تا اجرای طرح‌های مربوط به بافت‌های فرسوده است.

و امکانات را متعلق به خودشان نمی‌دانند. چنین افرادی را نمی‌توان شهروند شمرد بلکه آنان صرفاً شهرنشین‌اند.

❖ **"نتیجه‌گیری"**

امروزه توسعه بیشش از هر چیز متکی بر سرمایه‌های اجتماعی جامعه است و سرمایه‌های اجتماعی نیز اساساً به دنبال شکل‌گیری مفهوم شهروندی در جامعه محقق می‌گردد.

توسعه واقعی کشور محقق نخواهد شد مگر اینکه حوزه دولت و حوزه‌های عمومی و خصوصی در کنار یکدیگر و با مشارکت و پذیرش یکدیگر شکل بگیرند و به دنبال آن نیز مفاهیمی چون شهروندی و توسعه اجتماعی محقق گردد. جامعه‌ای که در آن مفهوم شهروندی به معنی واقعی خود شکل گرفته و احاد آن اجتماعی شده باشد جامعه‌ای زنده، پویا و در مسیر توسعه خواهد بود.

بحث شهروندی بیش از هر چیز یک مقوله‌ی فرهنگی است و حقوق شهروندی محقق نخواهد شد مگر اینکه انگاره‌های فرهنگی در جامعه شکل گرفته باشد.

به‌طور کلی نمی‌توان متولی خاصی را برای فرهنگ‌سازی در حوزه شهروندی مشخص کرد بلکه لازم است تا تمامی دستگاه‌ها و نهادهای دولتی و غیر دولتی جزء خود را در خصوص آموزش‌های شهروندی جزم نمایند.

ابتدا مهم‌تر از هر چیز اصلاح قوانین و واردکردن واژه شهروندی در کلیه متون قانونی مرتبط می‌باشد. سپس انتشار کتاب، نشریات تخصصی، روزنامه‌های ملی و محلی، جزوات و بروشورهای آموزشی و درج مقالات در سایت‌ها و وبلاگ‌ها در این زمینه بسیار موثر خواهد بود. مداسوسیم به عنوان یک رسانه می‌تواند نقش ارشدی در ترویج فرهنگ شهروندی می‌تواند نقش ارشدی داشته باشد که متأسفانه کمتر به آن توجه شده است.

همچنین آموزش‌وپرورش و وجود آموزگارانِ معتقد به مفاهیم شهروندی و درج مفاهیم و موضوعات شهروندی در کتب درسی دانش‌آموزان می‌تواند بسیار موثر باشد که در این زمینه نیز اقدام شایسته‌ای صورت نگرفته است.

نهادهای محلی از جمله شوراهای اسلامی و شهرداری‌ها، دهیاری‌ها و نهادهای سیاسی و حکومتی اعم از استانداری‌ها، فرمانداری‌ها و بخش‌دارهای می‌توانند در این خصوص بسیار نقش‌آفرین باشند. رسیدن به یک جامعه شهروند مدار، نیازمند یک عزم و اراده‌ی ملی است و تمامی دستگاه‌ها، احزاب، مطبوعات و سازمان‌های غیردولتی بایستی در این نقش تلاش نمایند. همچنین بهره‌گیری از نخبگان و اندیشمندان سیاسی و اجتماعی جامعه نیز در تحقق اهداف مورد نظر بسیار موثر خواهد بود.

حقوق شهروندی یک امتیاز از سوی دولت‌ها نیست بلکه حقّی است طبیعی و فطری که باید در جامعه محقق گردد.

❖**اردشیر محمدی باغعلانی**